

رهاوردهای استفاده از روش «تحلیل محتوای کمی» در فهم احادیث

محمد جانی‌پور^۱، رضا شکرانی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۴ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۸/۲۵)

چکیده

کلمات گهربار ائمه اطهار^(ع) پس از قرآن کریم، گران‌قدرترین میراث دین مبین اسلام و دستورالعملی برای سعادت هر دو جهان است. این محتوای غنی و هویت‌بخش قابلیت آن را دارد که در حوزه‌های مختلف علوم بشری استفاده شده و مبنای مطالعات بنیادین و کاربردی در نظر گرفته شود.

به نظر می‌رسد آنچه امروز می‌تواند راهگشای فهم بسیاری از وقایع آن دوران باشد، تبیین دیدگاه‌ها و مبنای نظری ائمه اطهار^(ع) از خلال تجزیه و تحلیل گفتار ایشان با استفاده از روش‌های علمی و دقیق باشد، چرا که به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر است که می‌توان به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد و اعماق اندیشه‌های وی دست یافت.

از جمله روش‌های تحقیق مطرح، روش «تحلیل محتوا» است که پژوهش‌های انجام شده بر مبنای آن در حوزه علوم دینی و به ویژه متون حدیثی نشان داده است که این روش از قابلیت‌های بسیار خوبی جهت فهم و نقد احادیث برخوردار بوده و از همین روی است که محققان و پژوهشگران عرصه علوم دینی به جهت استفاده بهینه از دانش خود و عرضه بهینه آن به گروه‌های مختلف جامعه، از این روش در تحقیقات خود بهره می‌گیرند. در این پژوهش پس از معرفی این روش و فنون خاص آن، برخی کارکردها و قابلیت‌های استفاده از آن در فهم احادیث به طور مستند بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، حدیث، روش تحقیق، نقد حدیث.

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق^(ع):

janipoor@isu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآنی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و فناوری، انسان به محدودیت روش‌های اولیه تحقیق در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برد و با تأمل بسیار، روش‌های نوینی را ابداع کرد تا بتواند در عرصه پژوهش‌های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشند.

امروزه روش‌های بسیاری وجود دارد که می‌توانیم از طریق آن‌ها رفتار انسان را مطالعه کنیم، می‌توانیم او را در آزمایشگاه مورد آزمایش قرار دهیم، به او پرسشنامه بدهیم یا با او مصاحبه کنیم (پژوهش پیمایشی)، رفتارهای او را مورد مشاهده قرار بدهیم (آزمایش میدانی) یا مصنوعات (باستان‌شناسی) و ارتباطات او را بررسی کنیم (تحلیل محتوا).

در این میان یکی از مهم‌ترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات که با توجه به موضوع، شرایط و اهداف تحقیقات حوزه علوم انسانی اجتماعی، دارای کارکردهای متعدد و متنوعی بوده و نتایج آن قابلیت اثبات و روایی از جهات مختلف را دارد، روش «تحلیل محتوا» است.

در این روش اسناد مکتوب نظیر انتشارات عمومی، نسخه‌های محدود، اسناد کمیاب و نقشه‌ها و اسناد غیرمکتوب نظیر عکس‌ها، فیلم‌ها، آثار هنری به‌جای مانده از گذشتگان بررسی میشود و نتایج آن به گونه‌های مختلفی منتشر می‌شود. همچنین روش مذکور، این قابلیت را برای محققان و پژوهشگران فراهم می‌کند که به دور از هرگونه پیش‌داوری و دخالت نظرهای مختلف در متن اطلاعات، به تحلیل خالص متن بپردازند و نتایج آن را در قالب‌های مختلف عرضه کنند.

از دیگر قابلیت‌های این روش، امکان اعتبارسنجی آن توسط دیگر محققان و در نتیجه اثبات نتایج تحقیق است. به همین دلیل از دیرباز، استفاده از این روش دغدغه بسیاری از محققان و پژوهشگران بوده و تلاش‌های مختلفی در راستای تدوین و نظریه‌سازی آن انجام شده است.

باید گفت آنچه ضرورت چنین پژوهش‌هایی را روشن می‌سازد، توجه به نقش مبنایی و محوری این پژوهش‌ها برای ورود به مباحث تاریخی و تحلیل گفتمان متون روایی، به ویژه احادیث منقول از ائمه اطهار^(ع) است. بدیهی است این روش خود سرآغاز ورود به پژوهش‌هایی عمیق‌تر و گسترده‌تر بوده و در حقیقت نتایج آن بیشتر تبیین‌کننده

سؤال‌هایی است که پس از سالیان متمادی تحقیق و مطالعه برای محققان ایجاد می‌شوند.

۱. معرفی روش تحلیل محتوا

روش «تحلیل محتوا»^۱ یا «روش تحلیل مضمونی»^۲ که روشی علمی برای تفسیر «متن»^۳ است، از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی - به خصوص در مورد زیررشته‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ارتباطات - کاربرد داشته و به علت اینکه نتایج به دست آمده از طریق آن، دارای اعتبار و روایی بالایی است، بسیار مورد توجه محققان و پژوهشگران عرصه‌های مختلف قرار گرفته است.

«لورنس باردن» در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» [۳، ص ۲۹].

برای فهم بهتر این روش باید گفت که بررسی‌های متعارف اجتماعی معمولاً مبتنی بر پرسشنامه هستند، یعنی آنچه توسط پژوهشگر تحلیل می‌شود، پاسخ‌هایی است که به پرسش‌های پرسشنامه او داده شده است، اما در روش تحلیل محتوا درست برعکس عمل می‌شود و به همین دلیل این فن را گاهی فن «پرسشنامه معکوس»^۴ نیز می‌نامند. در این روش، پرسشنامه نامعلوم است و هدف، تلویحاً یافتن این پرسشنامه بر اساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داستان‌ها داده شده یا به عبارتی در این روش اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤال‌های پرسشنامه هستند [۱۲، ص ۲۱۱].

به عبارت دیگر تحلیل محتوا، روشی است که به منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادرکننده پیام، علل صدور پیام و آثار پیام، برای تجزیه و تحلیل عینی و منتظم پیام‌های مختلفی که از طرق گوناگون مبادله می‌شوند به

-
1. Content Analysis
 2. Thematic Analysis
 3. Text
 4. Inverse Questionnaire

کار می‌رود. این پیام‌ها ممکن است به اشکال و طرق مختلف صادر شوند، از جمله: کتاب، مقاله، دست‌نوشته، سخنرانی، مصاحبه، فیلم، نوار، عکس، پوستر، نامه، پرسشنامه و هرگونه پیام دیگری که بتوان به روش‌های خواندن، شنیدن و دیدن و یا حواس دیگر، دریافت کرد (یعنی هم اسناد مکتوب و غیر مکتوب و هم پیام‌های شنیداری و دیداری). از تحلیل محتوا می‌توان در مراحل مختلف تحقیق حتی برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های آماری در مراحل شناسایی نیز استفاده کرد، اما در مواردی که هدف تحقیق استخراج نتایج از متون و سایر پیام‌ها باشد، روش تحلیل محتوا، روش تجزیه و تحلیل اصلی تحقیق است [۱۱، ص ۲۳۰-۲۳۱].

مزیت‌های خاص این روش عبارت‌اند از: استناد دقیق و استفاده آسان به طوری که به‌کارگیری آن به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد؛ و بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی، در آن جمع‌آوری شده‌اند [۱۵، ص ۳۵].

زمینه‌های اصلی کاربرد این روش نیز عبارت‌اند از: شناخت موضوع و جوانب آن، شناسایی نظریه‌ها، شناسایی مطالعات و تحقیقات قبلی در این زمینه، جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب و تدوین الگوی تحلیلی [۱۱، ص ۲۱۲-۲۱۳].

عمده‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا نیز عبارت‌اند از: مطالعه اطلاعات به منظور پاسخ دادن به این پرسش‌ها که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» [۱۶، ص ۲۲۲].

تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شوند می‌توانند دارای معانی مختلفی باشند، لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورهای مشخصی تبعیت می‌کند و لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری است.

در سال ۱۹۶۹ کنگره‌ای با حضور ۴۰۰ محقق با موضوع دستاوردها و روش‌های استفاده از رایانه در زمینه تحلیل محتوا در فیلادلفیا برگزار شد که مقالات افرادی همچون ژ. ژربنر^۱، هولستی^۲ و کریپندورف^۳ در آن به چاپ رسید. قسمت مهمی از این

1. G. Gerbner

2. Holsty

3. Krippendorff

مباحث، مسئله بازشناسی متون معنی‌دار، قواعد ابهام‌زدایی، پوشش اطلاعاتی و به کار بردن فنون تکمیلی برای تطبیق ماشین با عملیات تحلیل محتوا بود [۳، ص ۲۱].

۱.۱. انواع طبقه‌بندی روش‌های تحلیل محتوا

در یک دسته‌بندی اجمالی محتوا را می‌توان به یکی از روش‌های ذیل تحلیل کرد:

۱.۱.۱. طبقه‌بندی بر مبنای روش‌های کمی - کیفی

تحلیل محتوا به دو روش تحلیل محتوای مبتنی بر کمیت (آشکار) و تحلیل محتوای مبتنی بر ارزش‌گذاری و کیفیت (پنهان) تقسیم می‌شود. در تحلیل محتوای کمی، پژوهشگر به مقوله‌هایی که فقط به نمادها و ترکیب‌های نمادی اشاره دارد، توجه کرده و آن‌ها را انتخاب می‌کند، اما در تحلیل محتوای کیفی به خصوصیات دیگری غیر از نمادها نیز توجه می‌شود. البته در سطح روش‌شناسی، تمایز بین پژوهش‌های کیفی و کمی آشکارتر است، زیرا پژوهش کیفی مبتنی بر این ایده است که حداقل برخی پدیده‌ها برای بیان و تعمیق مقولات تحلیلی، نیاز به فرآیند پژوهشی خاصی دارند تا بتوانند آزادانه در میان همه سطوح تحلیلی حرکت کنند [۳، ص ۱۳۱-۱۳۴].

به عبارتی دیگر می‌توان گفت، روش‌های کمی توزیعی هستند، مثلاً تعداد زیادی اطلاعات مختصر تحلیل می‌شود و واحد اطلاعاتی پایه در آن‌ها بسامد ظهور برخی از خصوصیات محتوای متن است؛ اما روش‌های کیفی تشدید هستند، یعنی تعداد کمی اطلاعات مرکب و مفصل تحلیل می‌شود و واحد اطلاعاتی پایه در آن‌ها ظهور یا غیبت یک خصیصه است.

«ریمون کیوی» و «لوک وان کامپنهود» بدون آنکه مدعی حل مسئله مرزبندی روش‌های متفاوت تحلیل محتوا باشند، بر حسب اینکه مقصود تحلیل محتوا پاره‌ای از عناصر گفتار باشد یا صورت آن و یا روابط میان عناصر تشکیل‌دهنده‌اش، سه نوع اصلی را پیشنهاد و در هر نوع فقط به ذکر چند گونه اصلی آن بسنده کرده‌اند:

۱.۱.۱. تحلیل‌های مضمونی

روش‌هایی هستند که محقق به کمک آن‌ها تصورات اجتماعی یا قضاوت‌های گویندگان را بر مبنای تحلیل پاره‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده گفتارشان آشکار می‌کند که خود به دو فن ذیل تقسیم می‌شوند: تحلیل مقوله‌ای و تحلیل ارزیابی.

۱.۱.۱. تحلیل‌های صوری

این تحلیل‌ها به صورت و اتصالات اجزای گفتار توجه دارند و مشخصات آن مانند تعداد واژه‌ها، طول جمله‌ها، ترتیب کلمات، تعداد تردیدها و... را به همراه اطلاعاتی از وضع ذهنی گوینده و تمایلات ایدئولوژیکی‌اش به دست می‌دهد. فنون این نوع تحلیل نیز عبارت‌اند از: تحلیل بیان و تحلیل گزاره‌ای.

۱.۱.۳. تحلیل‌های ساختاری

در این نوع از تحلیل، محقق عمده‌تاً به شیوه آرایش عناصر پیام توجه می‌کند و همبستگی‌های مضامین در توالی‌های ارتباط کلامی بررسی می‌شوند. البته با این پیش‌فرض که همبستگی‌های مضامین، اطلاعاتی درباره ساختارهای ذهنی و ایدئولوژیکی یا دل‌مشغولی‌های پنهان گوینده / مؤلف در اختیار محقق قرار می‌دهد. گونه‌های این تحلیل نیز عبارت‌اند از: تحلیل همبستگی‌ها و تحلیل ساختاری [۱۶، ص ۲۲۲-۲۲۷].

۱.۱.۲. طبقه‌بندی بر مبنای نظریه یانسن

تحلیل محتوا، روش‌شناسی مختص به خود را به وجود می‌آورد که محقق را قادر می‌سازد تا مستقل از نتایج طرح تحقیق، به تهیه، بیان و ارزیابی انتقادی از آن بپردازد. لازمه این روش‌شناسی آن است که از توانایی فزاینده تجربه رویدادهای نمادین پیچیده و اتکای زیاد بر تحقیقات سازمان یافته که متضمن هماهنگی و بررسی‌های کیفی و کاربرد فن‌های پایایی است، استفاده شود. بر این اساس «یانسن»^۱ نظریه جدیدی در خصوص فنون تحلیل محتوا بدین شرح ارائه داده است:

۱.۱.۲.۱. تحلیل محتوای عمل‌گرایانه

به معنی شیوه‌هایی که علائم را بر حسب علل یا آثار محتمل آن‌ها طبقه‌بندی می‌کنند، مانند شمارش تعداد دفعات بیان چیزی که احتمالاً اثری بر ایجاد نگرش مثبت در شنونده معین دارد.

1. Yanssen

۱.۱.۲. تحلیل محتوای معنایی

شیوه‌هایی که علائم را بر حسب معنای آن‌ها طبقه‌بندی می‌کنند مانند تحلیل عناوین، تحلیل خصوصیات و تحلیل توصیفات.

۱.۱.۳. تحلیل محتوای علائم

شیوه‌هایی که محتوا را بر حسب خصوصیات روانی مادی علائم طبقه‌بندی می‌کنند [۱۵، ص ۴۱-۴۲].

۱.۲. طبقه‌بندی بر مبنای نظریه چوبینه

با افزایش جراید و روزنامه‌ها از قرن نوزدهم، نیاز به تحلیل متن آن‌ها به منظور تعیین اولویت‌ها و جابه‌جایی محتوای آن‌ها آشکار گردید. از این رهگذر، فنون دیگری برای تحلیل محتوا تولید شده که عبارت‌اند از: تحلیل محتوای توصیفی و تحلیل محتوای استنباطی که جهت پرهیز از اطاله کلام از توضیح آن اجتناب می‌شود [۷، ص ۷۵].

۲. چگونگی استفاده از روش تحلیل محتوا در متون دینی

در این قسمت به منظور آشنایی با چگونگی استفاده از این روش در تحلیل متون دینی، در ابتدا فنونی که توسط محقق انتخاب شده و مراحل انجام آن توضیح داده می‌شود و در ادامه نمونه‌هایی از کارکردهای این روش بیان خواهد شد.

در رابطه با فن تحلیل محتوای احادیث، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده، برای این‌گونه پژوهش‌ها، فن «تحلیل محتوای مضمونی» بر مبنای واحد «جملات» و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر «کلید واژگان» اصلی و فرعی، انتخاب شده و مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری هر کدام از عبارات احادیث نیز بر این اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم گردیده است.

به عبارت دیگر ابتدا با نگاه به واژگان کلیدی هر حدیث، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط تمرکز آن استخراج شده که بیانگر فضای کلی حاکم بر هر حدیث است. در مرحله دوم با درج عبارت‌های حدیث در جداولهای تحلیل محتوا، به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته‌ایم.

پس از جمع‌آوری کلیه احادیث یک امام یا یک موضوع خاص و نیز اعتبارسنجی آن‌ها، فرایند تحلیل محتوا و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آغاز می‌شود. چگونگی یافتن مقولات و نتایج حاصل از تحقیق نیز به شرح ذیل است:

۱. تجمیع کلیه احادیث یک امام یا یک موضوع در نرم‌افزار «اکسل»^۱ و تفکیک آن‌ها بر اساس مخاطب یا موضوع؛
 ۲. بررسی کامل محتوای هر حدیث جهت یافتن موضوع اصلی و کلیدواژه‌ها؛
 ۳. بررسی کامل عناصر تشکیل‌دهنده هر حدیث جهت یافتن موضوعات فرعی آن. منظور از موضوعات فرعی، عناوینی است که هر چند به صورت مستقل در حدیث مطرح نشده‌اند، لیکن تشکیل‌دهنده مفهوم اصلی آن هستند؛
 ۴. ثبت سؤال‌ها و نکات قابل توجه هر حدیث در یادداشت‌های نظری تحقیق جهت تحلیل محتوای کیفی آن. منظور از این اقدام، ثبت تحلیل‌های توصیفی اولیه است که هرچند به اثبات نرسیده‌اند، اما در ادامه مسیر می‌توانند راهگشای محقق در تحلیل‌های کیفی باشند؛
 ۵. بررسی و تحلیل موضوعات اصلی کلیه احادیث به منظور ایجاد یک دسته‌بندی موضوعی؛
 ۶. بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر دسته، به منظور ایجاد یک طبقه‌بندی مضمونی برای هر موضوع؛
 ۷. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی احادیث در قالب نمودار؛
 ۸. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات فرعی هر دسته در قالب نمودار؛
 ۹. تحلیل کیفی احادیث هر دسته بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی؛
 ۱۰. مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.
- در حقیقت این امور ده‌گانه، روش تحقیق و عملکرد محققان در این‌گونه پژوهش‌ها را نشان می‌دهد. قالب جدول تحلیل محتوای احادیث در نرم‌افزار اکسل نیز بدین صورت است:

1. Excel

جدول ۱. نمونه جدول تحلیل محتوا

ردیف	متن حدیث	مخاطب حدیث	کلیدواژگان	موضوع اصلی	موضوعات فرعی	کدگذاری	یادداشت‌های نظری
۱						A1	
۲						A2	
۳						A3	

منظور از محتوا در این روش علمی، متون سازمان‌یافته و اندوخته‌شدهٔ مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه را شامل می‌شود. «موضوع اصلی» نیز عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود اصلی هر حدیث است. این موضوع کلی است و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آن‌ها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای بوده و دربارهٔ چه مواردی سخن گفته است.

«موضوع فرعی» نیز عنوانی کلی است که هر کدام از موضوعات مطروحه در متن را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متن، موضوعات استخراج شده در مرحلهٔ اول، در قالب عناوینی جزئی‌تر درج می‌شوند که به آن عناوین، موضوعات فرعی گویند. این موضوعات که توسط تحلیل‌گر استخراج شده‌اند، لایه‌های درونی متن را آشکار می‌سازند. در ادامه جهت رعایت اختصار در کلام، تنها به ذکر برخی از نتایج حاصل از تحلیل محتوای احادیث ائمهٔ اطهار^(ع) خواهیم پرداخت.

۳. کارکردهای کمی تحلیل محتوا در فهم احادیث

چنانکه ذکر شد، کارکردهای استفاده از روش «تحلیل محتوا» در فهم احادیث را می‌توان در دو حوزه تحلیل‌های کمی و کیفی تقسیم نمود. منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح‌شده در متن است که محقق را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به‌کاررفته در آن بیشتر آشنا می‌سازد. در حقیقت تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است [۱۵، ص ۲۶].

تحلیل محتوای کیفی نیز فنی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده به صورت سامانمند است که به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت از مفاهیم ساخته می‌شوند؛ به عبارت دیگر استفاده از تحلیل‌های کیفی، به مثابه فنی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده است که در نهایت منجر به نظریه‌پردازی می‌گردد [۱۷، ص ۱۴].

در ادامه با بیان این پیش‌فرض که استفاده از این روش تنها راه ورود اولیه به تحقیقات کیفی و میان رشته‌ای بوده و طرح این موضوع به معنای نفی دیگر روش‌های تحقیق و آثار فاخر حاصل از میراث حدیثی عالمان جهان اسلام نیست، به طرح برخی از قابلیت‌ها و کارکردهای استفاده از این روش در حوزه فهم احادیث می‌پردازیم. شایان ذکر است که در این مقاله، تنها به کارکردهای کمی پرداخته شده که مرحله اول از فهم احادیث است.

۳.۱. قابلیت تفکیک و دسته‌بندی روایات

از جمله اولین کارکردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در مطالعات حدیثی، امکان تفکیک و دسته‌بندی روایات از وجوه مختلف است. این امکان از آن جهت فراهم می‌شود که در پی استفاده از این روش در مطالعات حدیثی، باید در ابتدا کلیه احادیث و روایات مورد مطالعه در قالب جدول‌های از پیش طراحی‌شده در نرم‌افزار اکسل وارد شده و در ادامه، ستون‌های مقابل هر حدیث به تفکیک مخاطب، راوی حدیث، کلیدواژگان، موضوع اصلی، موضوع فرعی، قالب بیانی و... تکمیل شوند.

تکمیل هر کدام از ستون‌های فوق باعث می‌شود که محقق بتواند با عملیاتی ساده، گزارش‌های مختلفی از مجموع روایات مورد مطالعه خود گرفته و آن‌ها را از وجوه مختلف تفکیک و دسته‌بندی نماید. در ادامه به منظور تفهیم هرچه بهتر نوع عملکرد این روش در فهم احادیث، مثال‌هایی از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه که توسط مؤلف انجام شده است، ارائه می‌شود:

الف) از امام حسن عسکری^(ع) نامه‌های متعددی در کتب روایی و تاریخی برجای مانده که مجموع آن‌ها در جلد سوم کتاب «موسوعة الامام العسکری^(ع)» جمع‌آوری شده است [۵: ۹، ص ۴۶۴-۳۴۷]. تعداد این نامه‌ها، ۱۶۰ مورد بوده و عمدتاً در منابعی ذکر شده‌اند که از اعتبار و وثاقت قابل ملاحظه‌ای در میان علمای شیعه برخوردار

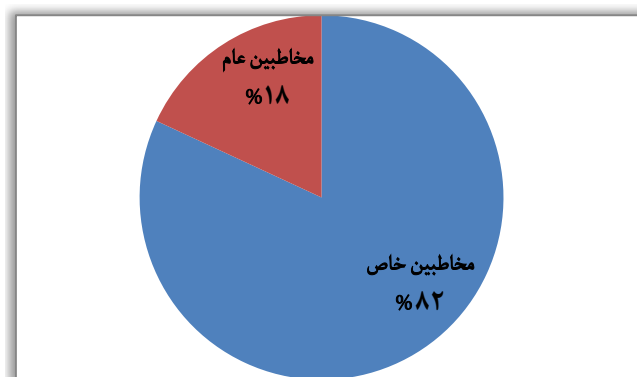
هستند. اولین خروجی و قابلیت استفاده از روش تحلیل محتوا در خصوص این مکاتبات، تقسیم‌بندی مجموع آن‌ها بر اساس دو مبنای مختلف زیر است:

الف) تفکیک بر مبنای مخاطبان نامه.

ب) تفکیک بر اساس علت نگارش نامه.

آن حضرت، نامه‌های خود را برای دو دسته از مخاطبان نگاشته‌اند: مخاطبان خاص و مخاطبان عام. منظور از مخاطبان خاص آن دسته از افرادی هستند که نام آن‌ها به صورت کاملاً مشخصی در متن نامه یا اسناد تاریخی آن، ثبت شده است. منظور از مخاطبان عام نیز، نامه‌هایی هستند که برای اقوام، اهالی یک شهر، افراد یک گروه خاص و یا افراد نامشخص نگاشته شده‌اند.

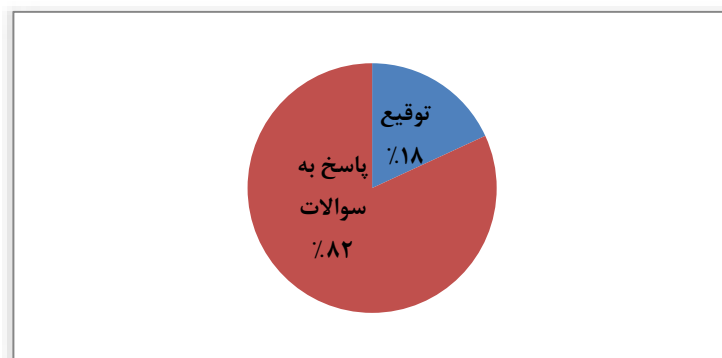
بدیهی است تا زمانی که همه این مکاتبات در جدول تحلیل محتوا ثبت نشده باشند، امکان این چینش و دسته‌بندی و سپس طرح سؤال و نظریه در این خصوص که چرا برای افراد خاصی، چندین نامه نگاشته شده یا اینکه به چه علت امام حسن عسکری^(ع) نامه‌های متعددی به اهل قم نگاشته، به سختی ممکن است. نمودار ذیل بیانگر آن است که ۷۷ نفر به عنوان مخاطبان خاص و ۱۷ گروه به عنوان مخاطبان عام مدنظر آن امام بوده‌اند:



نمودار ۱: تفکیک مکاتبات امام حسن عسکری^(ع) بر مبنای مخاطبان

درعین حال این مکاتبات را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان تقسیم نمود و آن بر مبنای علت نگارش آن‌ها است. از این منظر مکاتبات به دو دسته تقسیم می‌گردند: دسته اول نامه‌هایی که ابتدا به ساکن از سوی امام^(ع) صادر شده‌اند و ایشان قصد داشته‌اند تا

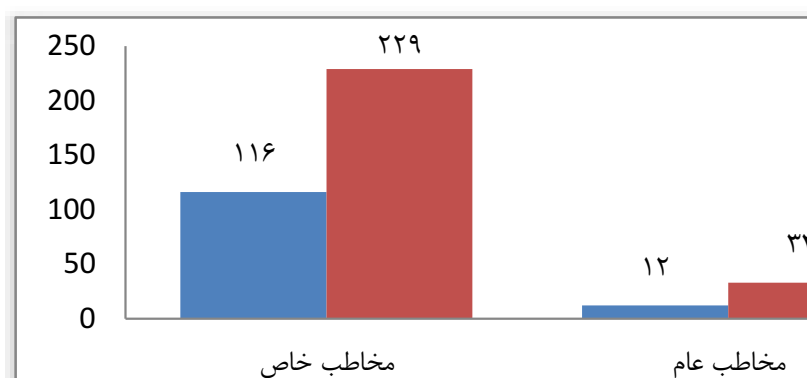
مهم‌ترین موضوعات مورد نیاز جامعه اسلامی را به شیعیان منتقل کنند که در این مقاله اختصاراً بدان‌ها «توقیع» گفته شده و دسته دوم نامه‌هایی که در پاسخ به سؤال‌ها و درخواست‌های مردم نگاشته شده‌اند:



نمودار ۲: تفکیک مکاتبات امام حسن عسکری^(ع) بر مبنای علت نگارش

ب) همچنین تعداد ۲۶۲ نامه نیز از امام هادی^(ع) در منابع روایی و تاریخی نقل شده [رک: ۹، ج ۲، ص ۳۴۷-۴۶۴] که پس از درج آن‌ها در جدول تحلیل محتوا مشخص می‌شود این مکاتبات نیز بر مبنای مخاطبان و همچنین علت نگارش قابل تفکیک‌اند که شرح آن بدین صورت است:

اسامی ۱۱۶ نفر به عنوان مخاطبان خاص نامه احصا شده که تعداد ۲۲۹ نامه از طرف امام هادی^(ع) برای آنان ارسال شده و اسامی ۱۲ گروه به عنوان مخاطبان عام احصاء شده که تعداد ۳۳ نامه از طرف امام^(ع) برای آنان ارسال شده است:



نمودار ۳: تفکیک مکاتبات امام هادی^(ع) بر مبنای مخاطبان

نمودارهای فوق اگرچه تنها به سنجش فراوانی‌های کمی می‌پردازند، لکن بیانگر میزان و گستره اقدامات امام هادی^(ع) در مواجهه با جامعه و همچنین شدت یا قلت استقبال جامعه و گروه‌های خاص آن، از هر امامی است که خود پرسش‌هایی را در ذهن مخاطب ایجاد کرده و مقدمه ورود به مراحل بعدی تحقیق می‌شود.

۲.۳. سنجش فراوانی واژگان کلیدی

کاربرد شناسایی واژگان کلیدی یک متن مکتوب یا گفتار بر این اصل روانشناسی مبتنی است که هر کس در ارتباط و مکالمه خود با دیگران، بیشتر از کلمات و پیام‌هایی استفاده می‌کند که ذهنش بر روی آن‌ها متمرکز است و به عنوان پیام‌های اصلی در ذهن متکلم یا نویسنده جولان دارند؛ به عبارت دیگر کثرت کاربرد یک کلمه یا یک پیام در مکالمات و مکاتبات یک فرد بیانگر این مطلب است که آن پیام در سطوح عالی ذهن متکلم و نویسنده جای داشته و بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. لذا تصریح بر مطلبی و تأکید مجدد بر آن و حتی استفاده از اصطلاحاتی خاص و تکرار آن‌ها بسیار مهم است و به عبارتی باید گفت در این‌گونه مکاتبات، هر کلمه‌ای ضریب خاص خود را دارد. با این توضیح، منظور از سنجش فراوانی واژگان، شمارش کلمات کلیدی است که در متن حدیث خودنمایی کرده و به عنوان اجزاء اصلی متن جلوه‌گری می‌کنند. لازم به ذکر است که این کلمات از پیش تعیین شده نمی‌باشند و در مطالعات تحلیل محتوا به تدریج خود را برای محقق نمایان می‌سازند.

از دیگر کارکردهای سنجش فراوانی واژگان کلیدی احادیث، آن است که محقق را با پرکاربردترین و همچنین کم‌کاربردترین واژگان به‌کاررفته در کلام ائمه اطهار^(ع) و از این رهگذر با ادبیات به‌کاررفته در کلام ایشان آشنا می‌کند. مثال:

الف) از هنگام بیعت عمومی مردم با حضرت علی^(ع) تا اتمام جنگ صفین، نامه‌های متعددی میان امام^(ع) و معاویه رد و بدل شده است که بر اساس تحقیقات صورت گرفته و مطالعه کتب تاریخی، تعداد آن‌ها به ۳۲ نامه می‌رسد، درحالی‌که سید رضی در نهج‌البلاغه تنها ۱۶ نامه از امام^(ع) به معاویه را نقل کرده که البته بسیاری از آن‌ها در حقیقت تلفیقی از چند نامه بوده و در مواردی هم چندین نامه به صورت واحد درج شده است [رک: ۴، ص ۸۹-۱۴۵]. از جمله نکات قابل توجه و مهمی که از خلال تحلیل محتوای کمی مکاتبات میان حضرت علی^(ع) و معاویه حاصل شد، اینک:

اولاً، فراوانی کلمات حضرت در مکاتباتشان با معاویه ۳ برابر بیشتر از معاویه است؛ به عبارت دیگر از مجموع این مکاتبات، ۷۶٪ به امیرالمؤمنین^(ع) و ۲۴٪ به معاویه اختصاص پیدا کرده است که این مطلب نشان می‌دهد حضرت بر این جریان نامه‌نگاری و هدایت معاویه تأکید بیشتری داشته و علیرغم مشکلات و مسائل فراوان در دوران کوتاه حکومت خود، نه تنها برای معاویه و عمروعاص، بلکه برای بسیاری از حاکمان منصوب از طرف عثمان و همچنین والیانی که خود برای شهرها تعیین می‌کردند، نامه‌های مفصلی نوشته‌اند که همه بیانگر نوع نگاه آینده‌نگرانه حضرت^(ع) است.

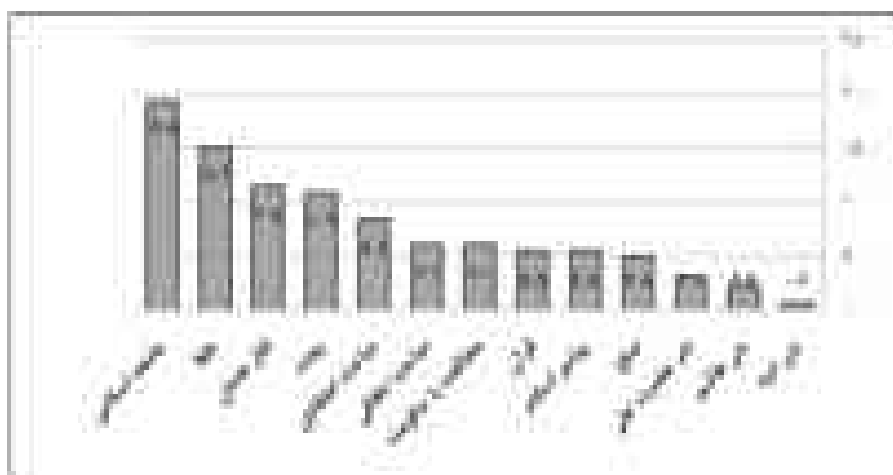
ثانیاً، بر اساس سرشماری صورت گرفته از کلمات کلیدی هر نامه، به این نتیجه بسیار جالب و تأمل برانگیز دست پیدا کردیم که آنچه معاویه بیش از همه بر آن تأکید و تصریح دارد، مسئله خلفای سه‌گانه سابق و قتل عثمان است. معاویه به صراحت در نامه‌هایش، خود را نماینده خلفای سابق دانسته و به همین منظور داعیه خونخواهی از خلیفه سوم را مطرح می‌کند و حضرت علی^(ع) را به جرم کمک به قاتلان عثمان و حمایت از ایشان متهم می‌نماید و در نهایت جنگ صفین را با شعار اصلی خونخواهی عثمان شروع می‌نماید.

این در حالی است که در نامه‌های امیرالمؤمنین^(ع) موضوع «قتل عثمان» و «خلفای سابق» کم‌ترین کاربرد را داشته و در حقیقت به منظور پاسخگویی به تهمت‌های معاویه مطرح شده‌اند. حضرت در مکاتبات خود با استدلال بر اینکه معاویه به دلیل عدم کمک‌رسانی به موقع به خلیفه سوم، خیانت کرده و جزء عوامل اصلی قتل او محسوب می‌شود، این تهمت را پاسخ گفته و در نهایت خود معاویه را متهم می‌کند که باعث می‌شود دیگر معاویه در این زمینه مطلبی را در نامه‌هایش بیان نکند [رک: ۴، ص ۸۹-۱۴۵]. در ذیل نمودار سنجش فراوانی کلمات به‌کاررفته در نامه‌های حضرت علی^(ع) و معاویه به صورت جداگانه درج شده است:



نمودار ۴: فراوانی کلیدواژه‌های نامه‌های حضرت علی^(ع)

نمودار فوق نشان می‌دهد که آنچه برای حضرت^(ع) مهم بوده، در مرحله اول مستند کردن کلام خود به آیات قرآن کریم و در مرحله دوم تأمین نظر مردم در جامعه اسلامی است، درحالی‌که معاویه در نامه‌های خود از آیات قرآن و نام و یاد پیامبر اکرم^(ص) با درصد کمی استفاده کرده و درعین حال تلاش دارد تا مسئله جانشینی خلفا و قتل عثمان را مهم‌ترین مسئله روز جامعه اسلامی نشان دهد.



نمودار ۵: فراوانی کلیدواژگان نامه‌های معاویه

ب) مشابه این تحقیق در خصوص یکی از رساله‌های امام رضا^(ع) با عنوان «رساله محض الاسلام» که به درخواست مأمون عباسی و به منظور معرفی اصول و مبانی مذهب تشیع نگاشته شده، نیز انجام شده است. سنجش فراوانی کلیدواژگان مطرح در این متن روایی نیز نشان می‌دهد که آن حضرت از چه الفاظی بیش‌ترین و کمترین استفاده را داشته‌اند:



نمودار ۶: فراوانی کلیدواژگان رساله محض الاسلام

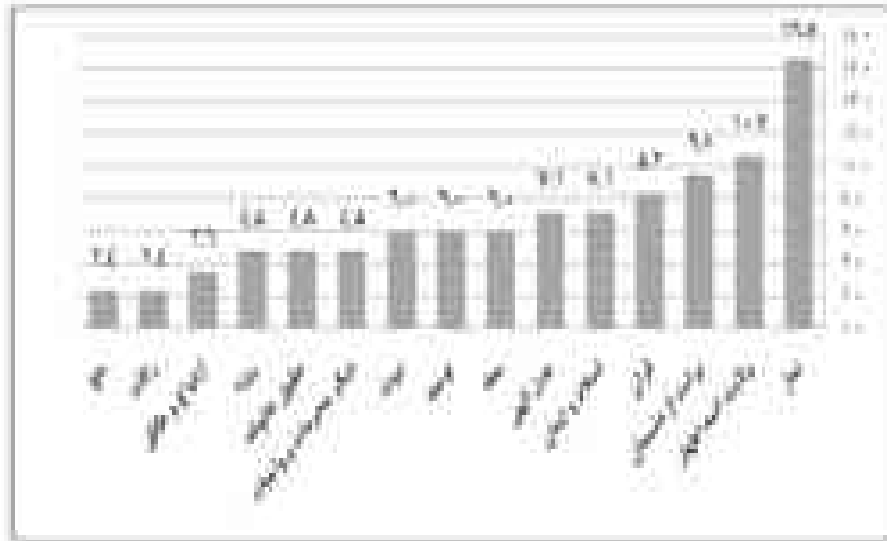
در ادامه مقاله توضیح داده خواهد شد که یکی دیگر از کاربردهای استفاده از روش تحلیل محتوا، آگاهی از شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه عصر ائمه اطهار^(ع) و ورود به عرصه تحلیل گفتمان است. بدیهی است در زمان امام رضا^(ع) که شیعیان در اقلیت قرار داشته و خلفای عباسی تلاش داشتند تا از هرگونه رشد و گسترش عقاید شیعه و تقویت شیعیان جلوگیری کنند، آن امام همام با آگاهی از این توطئه‌ها، تلاش کرده است بیشتر بر روی اصول مشترک میان همه مذاهب اسلامی تأکید کرده و از هرگونه مسئله اختلافی پرهیز کند که از طریق نمودار فوق می‌توان به وضوح این مطلب را مشاهده کرد [۵].

۳.۳. سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی

چنانکه اشاره شد از جمله اولین کاربردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در مطالعه متون روایی و احادیث ائمه اطهار^(ع)، قابلیت تفکیک و دسته‌بندی روایات است. در مراحل پس از آن، از دیگر اقداماتی که در ضمن تجزیه و تحلیل مجموع این روایات برای محقق حاصل می‌شود، استخراج و دسته‌بندی موضوعات اصلی (عناوین) هر کدام از روایات است که در نهایت منجر به درج نمودارهای سنجش فراوانی موضوعات می‌شود. این نمودارها به محقق کمک می‌کند تا بتواند با نگاهی اجمالی به مجموعه مورد مطالعه خود، با ساختار حاکم بر آن‌ها و مسائل مهم مطرح‌شده، آشنا شده و بتواند تحلیل‌های کیفی مناسبی در خصوص مجموعه آن روایات بیان کند.

از دیگر کاربردهای سنجش فراوانی موضوعات، آشنایی با اندیشه‌ها و افکار مؤلف متن است. در موارد متعددی ممکن است یک متن با عنوانی خاص مشهور شود، لکن پس از بررسی فراوانی موضوعات آن متن می‌توان به این نتیجه دست یافت که شایسته است متن مورد مطالعه دارای عنوانی دیگر باشد، چرا که فراوانی آن موضوع بیشتر بوده و بیانگر دغدغه مؤلف در مورد آن موضوع است. مثال:

الف) در ضمن مطالعه رساله «محض الاسلام» امام رضا^(ع) که تعریف آن گذشت، موضوعات اصلی مطرح‌شده در این رساله در قالب نمودار ذیل درج شدند که نشان می‌دهد آن امام همام در این روایت و حدیث خود به چه موضوعاتی اشاره کرده و فراوانی هر کدام به چه میزان است:

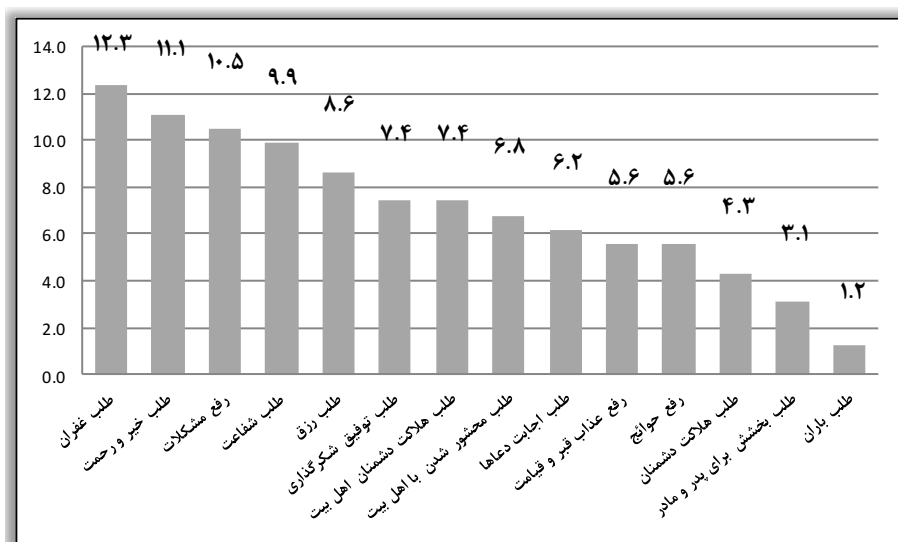


نمودار ۷: فراوانی موضوعات رساله محض الاسلام

همان طور که مشاهده می‌شود، موضوعات نماز، ولایت ائمه اطهار^(ع)، برائت از دشمنان و قرآن از جمله مواردی هستند که به دفعات و با فراوانی بیشتری در این رساله بیان شده‌اند که نشان می‌دهند موارد فوق در ذهن و اندیشه مؤلف از اهمیت و جایگاهی والا برخوردار بوده و در حقیقت دغدغه‌های اصلی مؤلف برای نگارش آن متن را تشکیل می‌دهند.

ب) همچنین در تحقیقی دیگر تمامی ادعیه امام رضا^(ع) که در کتابی به نام «صحیفه جامعه رضویه» جمع‌آوری شده است، به روش تحلیل محتوا مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفت که از جمله اولین نتایج آن، استخراج موضوعات مطرح در این ادعیه است. در این رابطه باید گفت که این موضوعات از خلال تحلیل محتوای متن ادعیه، استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند و به هیچ عنوان، عناوین مطرح برای هر کدام از ادعیه در این سنجش، ملاک مطالعه قرار نگرفته‌اند. این مطلب بدان معناست که در برخی موارد ممکن است عنوان روایت یا دعایی از امام معصوم^(ع) به دلیل وجود برخی کلمات خاص در آن و یا پرداختن بخشی از دعا به موضوعی خاص، به نام همان کلمه یا موضوع نام‌گذاری شود، درحالی‌که با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان به گونه‌ای آزاد و بدون تعلق خاطر به موضوعات جزئی مطرح‌شده در روایت، عنوانی کلی برای آن در نظر گرفت و در جدول تحلیل محتوا با عنوان موضوع اصلی، آن را درج نمود.

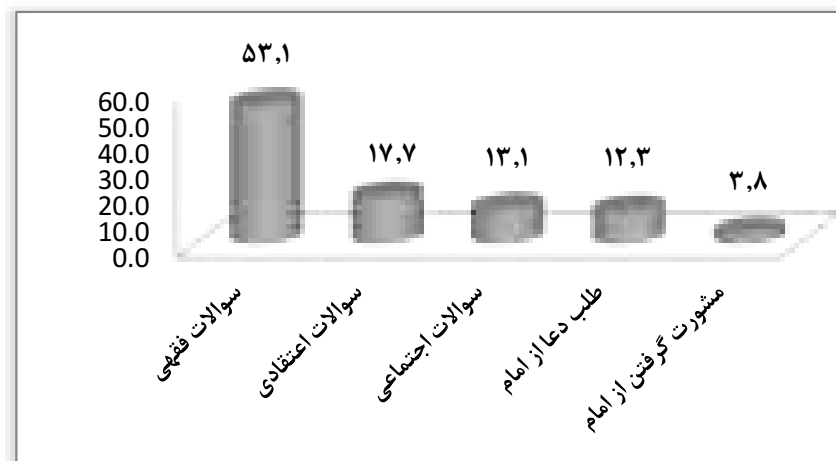
این مطلب خود یکی دیگر از ضرورت‌های استفاده از روش تحلیل محتوا در مطالعات حدیثی را بیان می‌کند. در نمودار ذیل فهرستی از موضوعات مطرح در ادعیه امام رضا^(ع) و سنجش فراوانی آن‌ها ارائه شده است:



نمودار ۸: سنجش فراوانی موضوعات ادعیه رضویه

نکته قابل توجه در این فهرست؛ طلب هلاکت دشمنان اهل بیت^(ع) و طلب محشور شدن با اهل بیت^(ع) است که نشان می‌دهد آن حضرت تلاش داشته‌اند تا در قالب بیانی دعا، به جایگاه رفیع و مهم امام معصوم در جامعه اسلامی اشاره کرده و درعین حال بر مبارزه با دشمنان ایشان نیز تأکید کنند.

ج) همچنین در بررسی مکاتبات امام حسن عسکری^(ع) که به دو دسته؛ پاسخ به نامه‌های شیعیان و نامه‌های ابتدا به ساکن نگاشته شده توسط امام تقسیم شده بود، می‌توان موضوعات اصلی نامه‌های هر دو بخش را به واسطه جداول تحلیل محتوا، تفکیک و در قالب نمودارهای میله‌ای به نمایش گذاشت. در قسمت اول، یعنی نامه‌هایی که امام حسن عسکری^(ع) در پاسخ به سؤال‌های شیعیان نگاشته‌اند، از بررسی محتوای هر نامه می‌توان نوع سؤال‌های پرسیده شده و موضوع اصلی آنها را استخراج کرد که نمودار آن بدین شرح است:



نمودار ۹: سنجش فراوانی موضوع مکاتبات امام حسن عسکری^(ع)

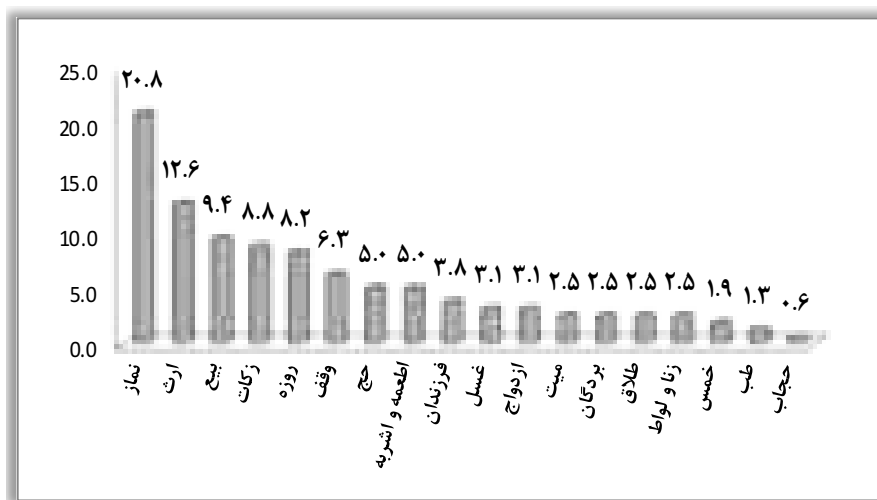
د) همچنین در پی مطالعه مکاتبات امام هادی^(ع) به روش تحلیل محتوا نیز در مرحله اول مجموع مکاتبات ایشان به دو دسته؛ پاسخ به نامه‌های شیعیان و نامه‌هایی که آن حضرت خود برای دیگران نگاشته‌اند، تقسیم شده و در مرحله دوم موضوعات مهم و اصلی نامه‌های هر بخش به تفکیک، احصاء و دسته‌بندی شده‌اند.

در بخش اول یعنی مکاتبات صورت گرفته میان شیعیان با امام هادی^(ع)، سؤال‌های متعددی از ایشان در خصوص موضوعات مختلف که اکثراً فقهی و اعتقادی هستند، پرسیده شده است که می‌توان آن‌ها را در دو حوزه تفکیک کرد:

الف) پاسخگویی به موضوعات فقهی؛

ب) تبیین مبانی اعتقادی احکام اسلام.

بالاترین فراوانی در بخش اول، یعنی پاسخگویی به مسائل شیعیان، به پرسش‌های فقهی اختصاص دارد که در حدود ۱۵۹ نامه از مجموع ۲۶۲ نامه به این مسئله مربوط بوده و نشان می‌دهد که این گونه سؤال‌ها برای مردم جامعه آن زمان اهمیت فراوانی داشته و امام^(ع) نیز به تفصیل بدان‌ها پاسخ داده‌اند. در ذیل، موضوعات فقهی مندرج در این مکاتبات احصاء و فراوانی آن‌ها سنجیده شده است که نمودار سنجش آن به شرح ذیل هست:



نمودار ۱۰: سنجش فراوانی موضوعات فقهی مکاتبات امام هادی^(ع)

بر مبنای نمودار فوق می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بیش‌ترین موضوعات مورد پرسش جامعه عصر امام هادی^(ع) چه نوع موضوعاتی بوده و در آن زمان چه مسائلی برای مردم مطرح بوده است. همچنین دسته‌بندی نوع پرسش‌های مطرح‌شده در هر خصوص نیز می‌تواند پرسش‌های جدیدی را برای محققان و پژوهشگران ایجاد کند.

به عنوان مثال بیش‌ترین فراوانی در خصوص پرسش‌های مطرح‌شده در خصوص نماز به پرسش‌هایی در رابطه با لباس نمازگزار، کیفیت وضو (به خصوص مسح علی القدمین)، نماز همراه با اهل سنت و عامه مربوط می‌شود. به عنوان نمونه ابراهیم بن عقبه در خصوص نمازخواندن با لباس‌هایی که از پوست و موی خرگوش تهیه شده‌اند می‌پرسد:

«عِنْدَنَا جَوَابٌ وَ تَكْتُبُ تَعْمَلُ مِنْ وَبَرِ الْأَرَانِبِ فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ الْأَرَانِبِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَلَا تَقِيَّةٍ؟»

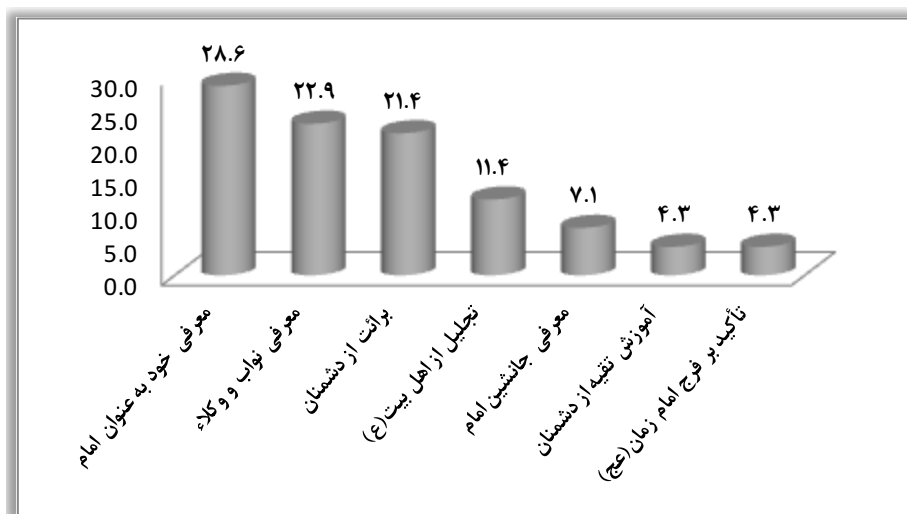
و امام هادی^(ع) در پاسخ وی می‌فرماید:

«لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا» [۲، ج ۲، ص ۲۰۶؛ ۸۰۶؛ ۸، ج ۴، ص ۳۵۶؛ ۵۳۷۷ و ص ۳۷۷، ج ۵۴۴؛ ۹، ج ۳، ص ۹۲؛ ۱۳، ج ۷، ص ۴۰۵؛ ۶۲۰۰؛ ۱۴، ج ۳، ص ۳۹۹؛ ۹، ج ۱۰].

همچنین محمد بن الفرّج الرّحجیّ نیز از آن حضرت در خصوص اوقات نماز پرسش می‌کند که حضرت در پاسخ وی به طور دقیق اوقات هر کدام از نمازهای واجب را بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَصَلِّ سُبْحَتَكَ وَ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ فَرَاغُكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ وَالشَّمْسُ عَلَى قَدَمَيْنِ ثُمَّ صَلِّ سُبْحَتَكَ وَ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ فَرَاغُكَ مِنَ الْعَصْرِ وَالشَّمْسُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ فَإِنْ عَجَلَ بِكَ أَمْرٌ فَأَبْدَأْ بِالْفَرِيضَتَيْنِ وَ أَقْضِ النَّافِلَةَ بَعْدَهُمَا فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ فَصَلِّ الْفَرِيضَةَ ثُمَّ أَقْضِ بَعْدَ مَا شِئْتَ» [۲، ج ۲، ص ۲۵۰، ج ۲۸؛ ۹، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ۱۰، ج ۲، ص ۳۶۳؛ ۱۳، ج ۷، ص ۲۳۱، ج ۵۸۱۶].

در بخش دوم، یعنی نامه‌هایی که آن حضرت خود شخصاً برای مردمان جامعه اسلامی و به خصوص خواص شیعیان آن عصر نگاشته‌اند و در پی آن تلاش داشته‌اند تا مهم‌ترین موضوعات مورد نیاز جامعه اسلامی را مطرح کنند، نیز فهرستی از موضوعات در جدول تحلیل محتوای این مکاتبات درج شده است که نمودار آن به شرح ذیل است:



نمودار ۱۱: سنجش فراوانی موضوعات مطرح‌شده در حوزه ولایت توسط امام هادی (ع)

نمودار فوق نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعی که برای آن امام همام مطرح بوده، تبیین جایگاه امامت و ولایت و ویژگی‌های امام معصوم (ع) در جامعه اسلامی بوده است. این هدف به منظور افزایش آگاهی و بصیرت جامعه در راستای اتخاذ راه حق و پرهیز از

پیروی دیگر فرق منحرفه و همچنین معرفی خود و امام حسن عسگری^(ع) به عنوان جانشین و همچنین حضرت مهدی^(ع) به عنوان امام بعدی در جامعه اسلامی بوده است. این مطلب بدین جهت مورد توجه خاص آن حضرت بوده که در پی فضای اختناق و انحطاط قرن دوم هجری که توسط خلفای عباسی در جامعه اسلامی ایجاد شده بود، از جمله مهم‌ترین وظایف ائمه اطهار^(ع) به خصوص پس از قیام اباعبدالله الحسین^(ع) در نیمه دوم قرن اول، تلاش برای تبیین جایگاه ولایت و امامت در جامعه اسلامی و ضرورت رجوع مردم در همه امور به سمت ایشان، بوده است. این امر به عنوان یک راهبرد و سیاست کلان در منظر ائمه اطهار^(ع) مطرح بوده است، به گونه‌ای که امام رضا^(ع) در سخنان و مکتوبات خود، هدف اصلی از پذیرفتن ولایت عهدی مأمون عباسی را تلاش برای هویت بخشیدن به شیعیان و احراز جایگاه اصلی خلافت و رهبری جامعه اسلامی برای ائمه اطهار^(ع) برشمرده و در حدیث معروف و مشهور خود با عنوان «سلسلة الذهب» نیز بر مسئله ولایت و امامت به عنوان تنها راه نجات و سعادت تأکید کرده‌اند [۵، ص ۱۵].

این جریان‌سازی و سیاست کلی توسط ائمه سامرا به ویژه از طرف امام هادی^(ع) نیز پیگیری شده و به وضوح در احادیث و مکاتبات منقول از ایشان قابل مشاهده است که فهرست نوع اقدامات ایشان در نمودار فوق درج شده است.

۴.۳. سنجش فراوانی قالب‌های بیانی

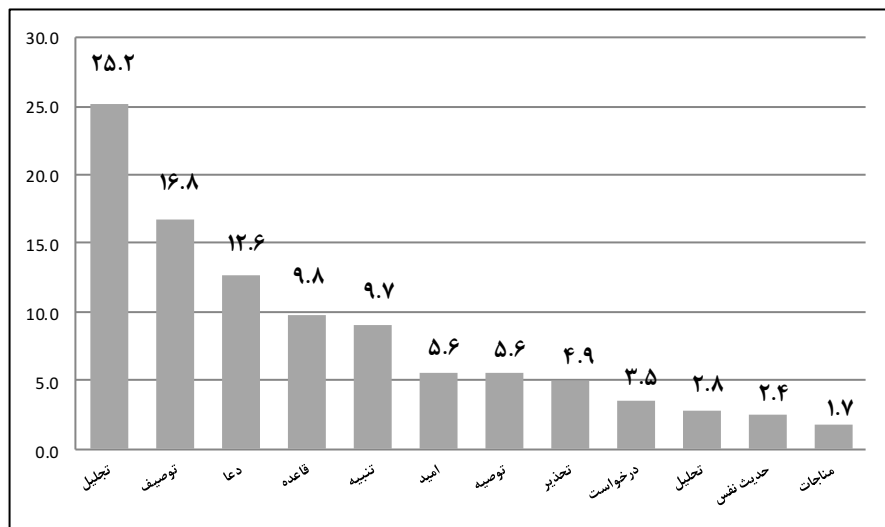
هر انسانی به جهت بیان مطالب و مقاصد ذهنی خویش، گونه‌ای از قالب‌های بیانی را انتخاب نموده و در کلامش از آن برای وصول به مطلوب ذهنی خود استفاده می‌کند. استفاده از قالب‌های بیانی یک امر کاملاً طبیعی است و در حقیقت همچون بافت متن، در زمینه هر جمله‌ای وجود داشته و محتوای اصلی آن جمله را بیان می‌کند. از جمله امور لازم و ضروری در مطالعات حدیثی، شناسایی قالب‌های بیانی به کار گرفته شده در روایات ائمه اطهار^(ع) است، زیرا قالب‌های بیانی، نقش راهنمای تحلیلگر را داشته و شناسایی آن باعث می‌شود محقق بتواند با بافت فرهنگی - اجتماعی کلام آشنا شده و در نهایت با نگاهی عمیق‌تر با متن حدیث مواجه شود.

لذا در مطالعات حدیثی که با روش تحلیل محتوا انجام می‌شوند، ابتدا باید فهرستی از قالب‌های بیانی درج و سپس به شکل کاربردی تعریف شوند تا خوانندگان مقاله

بتوانند با نگاهی اجمالی به نمودارهای سنجش فراوانی آن، با محتوای کلی آن حدیث یا مجموعه احادیث یک امام آشنا شوند.

الف) در مواجهه اول با مجموع ادعیه منقول از امام رضا^(ع)، این مطلب انتظار می‌رود که همه جملات به کاررفته با قالب بیانی «دعا» بیان شده باشند، درحالی که مطالعه دقیق و علمی این متون روایی با روش تحلیل محتوا نشان داد که قالب‌های بیانی متعددی در این ادعیه به کار گرفته شده و نکته جالب‌تر آنکه بیش‌ترین قالب‌های بیانی نیز، قالب بیانی «تجلیل» و «توصیف» هستند و نه «دعا».

البته منظور از هر واحد جمله در این تحقیق، جملات دعایی می‌باشند و نه مجموع یک دعا، بدان معنا که هر کدام از ادعیه بر اساس تعاریف علمی زبان و ادبیات، به جملاتی مستقل تقطیع شده و در نهایت قالب بیانی آن جملات استخراج و دسته‌بندی شده است:



نمودار ۱۲: سنجش فراوانی قالب‌های بیانی ادعیه رضویه

نمودار فوق نشان می‌دهد که قالب‌های بیانی تجلیل و توصیف دارای بیش‌تری کاربرد و استعمال در ادعیه امام رضا^(ع) است. کثرت تجلیل‌های صورت گرفته در این متون بیانگر آن است که امام رضا^(ع) تلاش دارند تا با استفاده از ابزار تبلیغاتی دعا که از صدر اسلام توسط پیامبر اکرم^(ص) شروع شده و در طول تاریخ توسط ائمه اطهار^(ع) ادامه یافته

و به ویژه در زمان امام سجاد^(ع) به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغاتی مورد استفاده بوده است، اهداف و مقاصد خاص خود را به جامعه اسلامی انتقال دهند.

در حقیقت امام رضا^(ع) تلاش دارند تا در ضمن این ادعیه، بیش از آنکه به رفع حوائج مردم پرداخته و متونی را صرفاً جهت برآورده شدن حاجات مادی و معنوی به مردم آموزش دهند، نقش و جایگاه اهل بیت^(ع)، دین اسلام و قرآن کریم را به مردم جامعه اسلامی گوشزد کرده و آنان را متوجه این مهم سازند که همه برکات و خیرات موجود به واسطه حضور این افراد و موارد است و همه نقایص و کمبودها نیز به واسطه توجه به این افراد برطرف خواهد شد.

نکته جالب آن است که در بسیاری از ادعیه صادره از امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود که پیش از بیان هرگونه مطلب و درخواستی، به پیامبر اکرم^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان اشاره شده و از آنان نام برده شده است [رک: ۱، ادعیه شماره ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۸ و...].

در موارد متعددی نیز به جایگاه والای اهل بیت^(ع) در نظام خلقت و همچنین جایگاه والای ایشان در نزد خداوند و اینکه همه امور هستی در دست اهل بیت^(ع) است، اشاره شده و بدین وسیله تلاش شده تا جامعه اسلامی از خلال قرائت این دعاها در مناسبات زمانی و مکانی مختلف و در هنگام وقوع حوادث و مشکلات متوجه مقام شامخ اهل بیت^(ع) شده و از این طریق بدانان تقرب جویند [رک: ۱، ادعیه شماره ۲۱، ۲۳، ۳۲ و...]. به عنوان یک نمونه می‌توان به بخشی از دعای شماره ۲۱ اشاره کرد که در آن به تجلیل از امیرالمؤمنین^(ع) پرداخته و می‌فرمایند:

«وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ عِلْمَ الدِّينِ وَ مُبِيرُ الْمُشْرِكِينَ وَ مُمَيِّزُ الْمُنَافِقِينَ وَ مُجَاهِدُ الْمَارِقِينَ إِمَامِي وَ حُجَّتِي وَ عُرْوَتِي وَ صِرَاطِي وَ دَلِيلِي وَ مَحَجَّتِي وَ مَنْ لَا أَتَقِي بِأَعْمَالِي وَ لَا زَكْتُ وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَ لَا صَلَحَتْ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْإِثْمَامِ بِهِ وَ الْإِفْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِيمِ لِرَوَاتِهَا وَ أَقْرُ بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ أُمَّةً وَ حُجَجًا وَ أدِلَّةً وَ سُرُجًا وَ أَعْلَامًا وَ مَنَارًا وَ سَادَةً وَ أَهْبَارًا» [۱، دعای ۲۱].

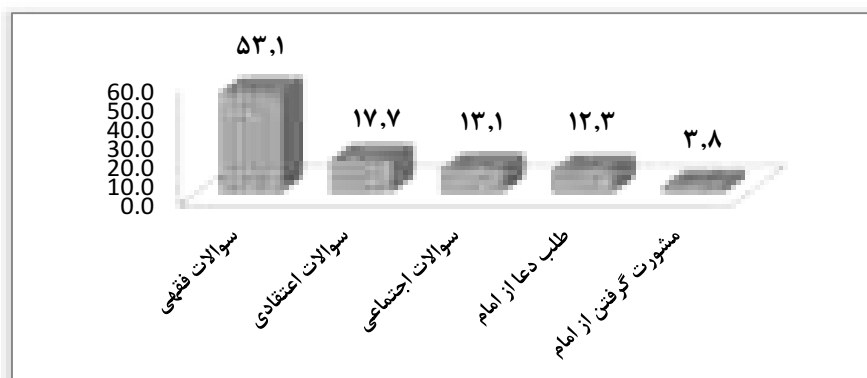
۵.۳. آگاهی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه

از دیگر کارکردهای کمی استفاده از روش تحلیل محتوا در رابطه با احادیث ائمه اطهار^(ع)، آشنایی با شرایط فرهنگی اجتماعی جامعه عصر ایشان است. این آگاهی و آشنایی نیز از طریق احصاء و دسته‌بندی موضوعاتی صورت می‌گیرد که روایات منقول از هر امامی^(ع) مطرح شده و نمودارهای آن در ذیل جداول تحلیل محتوا درج شده‌اند.

البته لازم به ذکر است که این مسیر، تنها مسیر کسب آگاهی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه صدر اسلام نیست و راه‌های دیگری از جمله مطالعه کتب تاریخی و سیره نیز در این مسیر پیشنهاد می‌شوند، لکن آنچه مدنظر مؤلف مقاله از طرح موضوع در این بخش است، آن است که از احصاء و دسته‌بندی روایات هر امامی می‌توان به مهم‌ترین موضوعات مطرح در عصر آن امام پی برد. وجه ممیزه این مسیر با مسیر مطالعه کتب تاریخی آن است که در صدر اسلام با دو جبهه نسبتاً متقابل به نام اهل سنت و تشیع مواجه هستیم که اگرچه در آن زمان نام‌گذاری مشخص و دقیقی در خصوص عقاید و پیروان آن‌ها صورت نگرفته بود، لکن طرح برخی پرسش‌ها از ائمه اطهار^(ع) و نوع پاسخ‌هایی که ایشان بدان مطالب بیان کرده‌اند، به وضوح این تقابل اعتقادی و سیاسی را نشان می‌دهد.

این در حالی است که مؤلفین برخی کتب تاریخی به دلیل رویکردهای صرفاً تاریخی یا سیاسی که در ذهن داشته‌اند، تنها به نقل حوادث تاریخی بدون توجه به جریان‌ات سیاسی و جایگاه اعتقادی هر کدام، پرداخته‌اند. از این‌روی به منظور آگاهی از بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه صدر اسلام لازم است این دو مسیر همزمان طی شوند. در ادامه با ذکر چند نمونه این مطلب را تبیین می‌نماییم.

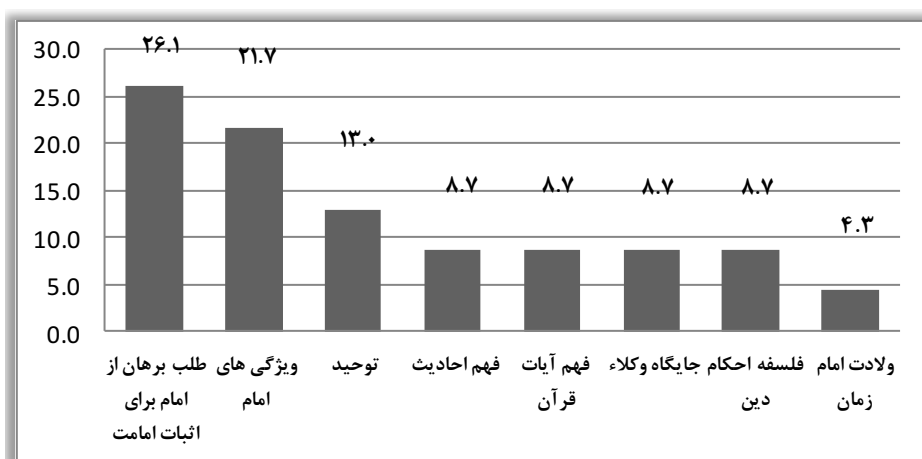
الف) در خصوص روایات منقول از امام حسن عسکری^(ع) مطرح شد که بخش مهمی از روایات ایشان، مکاتباتی است که با مردم داشته‌اند. در این میان بخش انبوهی از این مکاتبات، سؤال‌هایی است که از آن امام همام^(ع) پرسیده شده است. احصاء موضوعات این پرسش‌ها بیانگر آن است که اولاً در خصوص موضوعات متعددی از ایشان پرسش شده و ثانیاً کثرت فراوانی هر کدام نیز به دقت تبیین شده که نمودار سنجش فراوانی آن‌ها بدین شرح است:



نمودار ۱۳: سنجش فراوانی موضوعات مورد پرسش از امام حسن عسکری^(ع)

اولین نکته قابل توجه آنکه بیش‌ترین نوع پرسش‌ها، پرسش‌های اعتقادی است و این مطلب بیانگر آن است که جامعه عصر امام حسن عسکری^(ع) با مشکلات اعتقادی متعددی مواجه بوده و لذا لازم است در تحلیل‌های کیفی و همچنین تحلیل گفتمان دیگر روایات امام^(ع) این مطلب لحاظ شود.

ب) همان‌گونه که گفته شد، تحلیل‌های کمی راه ورود به تحلیل‌های کیفی می‌باشند و از این رهگذر است که محقق متوجه می‌شود به دنبال چه موضوعاتی باید بگردد و چه مسائلی را باید مدنظر تحلیل خود قرار دهد. نمودار فوق نشان می‌دهد که مسائل اعتقادی، حجم عظیمی از پرسش‌های مردم را شامل می‌شود، لذا شایسته است در ادامه مسیر تحلیل محتوا، ستون ویژه‌ای به منظور تبیین موضوعات خاص هر کدام از این پرسش‌های اعتقادی اختصاص یافته و در نهایت فهرستی از این موضوعات جمع‌آوری شود که نمونه آن را می‌توان در نمودار ذیل مشاهده نمود:



نمودار ۱۴: موضوعات اعتقادی مورد پرسش از امام حسن عسکری^(ع)

نمودار فوق به وضوح نشان‌دهنده آن است که طرح سؤال از امام جهت اثبات امامت ایشان، مهم‌ترین دغدغه‌ای بوده است که مردم آن جامعه داشته‌اند. به نظر می‌رسد این مطلب به جهت خفقان ناشی از فشار و استبداد حکومت برای دوری مردم از امام و همچنین تلاش فتنه‌انگیزان و منحرفان برای فریب مردم و ایجاد فرقه‌های متعدد باشد که در کتب تاریخی و سیره بدان اشاره شده است [۶].

طرح سؤال‌های بسیار سخت و مشکل، پرسش از فلسفه احکام دین و یا مفهوم واقعی آیات قرآن و احادیث ائمه اطهار^(ع)، طلب برهان برای اثبات امامت یک امام، از دیگر روش‌ها و شیوه‌هایی بوده است که پس از زمان امام موسی کاظم^(ع) و امام رضا^(ع) در میان شیعیان رواج یافته و به عنوان یکی از معتبرترین راه‌های اثبات امامت یک امام به شمار می‌آمده است.

۳.۶. آگاهی از ساختار حاکم بر مجموعه روایات

از دیگر کارکردهای کمی استفاده از روش تحلیل محتوا در مطالعه متون روایی، آگاهی از منطق و ساختار حاکم بر روایات و احادیث است. در حقیقت هدف اصلی از به‌کارگیری روش تحلیل محتوا در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، کشف ساختار و نظام حاکم بر متون مورد مطالعه به منظور ترسیم یک سامانه کامل و تصویرپردازی از محتوای کلی متون است، چرا که به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر و تحلیل محتوای آن‌هاست که می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت. این مطلب نیز مبتنی بر اصولی است که در علوم روان‌شناسی و همچنین زبان‌شناسی تفصیلاً مطرح شده است.

در خصوص مطالعه احادیث ائمه اطهار^(ع) باید گفت که این کارکرد، از جمله مهم‌ترین کارکردهای روش تحلیل محتوا است و در نتیجه مجموع تحلیل‌های کمی حاصل می‌شود، بدین معنا که پس از تفکیک و دسته‌بندی روایات، سنجش فراوانی واژگان کلیدی، موضوعات اصلی و قالب‌های بیانی که راه را برای ورود به تحلیل‌های کیفی باز می‌کنند، می‌توان در نهایت ساختار حاکم بر مجموعه روایات ائمه اطهار را استخراج کرده و نموداری کلی از مجموع کلمات ایشان ارائه داد.

الف) بررسی و سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی مکاتبات امام هادی^(ع) این امکان را برای محقق فراهم می‌سازد که نظام و ساختار حاکم بر این مکاتبات را استخراج نماید. ترسیم این نمودار بر مبنای نوع دسته‌بندی خاصی است که از طرف محقق به صورت ابتکاری ایجاد شده و هدف از آن ترسیم فضای کلی حاکم بر مجموع مکاتبات ایشان و موضوعات مهمی است که از طرف ایشان در آن‌ها ارائه شده، لذا اثبات آن نیازمند ادامه تحقیق در خصوص دیگر روایات و احادیث منقول از ایشان است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با بیان برخی از کارکردهای روش «تحلیل محتوا»، به معرفی این روش تحقیق پرداخته و با ذکر نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه متون روایی و احادیث، علاقه‌مندان به تحقیق و پژوهش در حوزه علوم دینی را به افقی جدید در این عرصه راهنمایی کند. برخی از نتایج این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. کاربردهای مختلف استفاده از روش تحلیل محتوا را می‌توان در دو حوزه مشخص کمی و کیفی تفکیک نمود. منظور از کاربردهای کمی؛ استخراج آمار و اطلاعاتی است که اگرچه به صورت عددی و در قالب نمودار و جدول ارائه می‌شوند، لکن موجب فهم اولیه و سریع کل محتوای مورد تحلیل شده و راه را برای ورود به تحلیل‌های کیفی باز می‌کنند؛

۲. نتایج تحلیل‌های کمی به محقق می‌فهماند که مسیر تحلیل‌های کیفی خود را از کجا باید آغاز کند و به دنبال پاسخگویی به چه پرسش‌هایی باشد؛

۳. از دیگر قابلیت‌های استفاده از روش تحلیل محتوا، درج یادداشت‌های نظری در ضمن تحلیل عبارات است که پیگیری آن‌ها می‌تواند بخشی از محتوای تحلیل‌های کیفی را تأمین نماید؛

۴. از جمله کارکردهای کمی استفاده از روش تحلیل محتوا، قابلیت تفکیک و دسته‌بندی روایات به منظور فهم بهتر مجموعه کلمات یک امام یا بخشی از مجموعه گفتارهای ایشان است؛

۵. از دیگر کارکردهای این روش؛ سنجش فراوانی واژگان کلیدی، موضوعات اصلی و فرعی و قالب‌های بیانی است که از رهگذر نتایج آن‌ها می‌توان به طور اجمالی با ماهیت این متون، مهم‌ترین موضوعات مطرح و درعین حال شبکه معنایی واژگان و موضوعات مورد استفاده، آشنا شد.

به عنوان نمونه، سنجش فراوانی قالب‌های بیانی مجموعه ادعیه رضویه نشان داد که بیش از آنکه این متون جنبه دعایی داشته باشند، جنبه آموزشی داشته و آن امام همام تلاش داشت تا با استفاده از ابزار تبلیغاتی دعا، مفاهیم مهمی را به مردم و جامعه اسلامی آموزش دهد.

همچنین تحلیل محتوای مکاتبات امام هادی^(ع) نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعی که برای آن امام همام مطرح بوده، تبیین جایگاه امامت و ولایت و ویژگی‌های امام

معصوم^(ع) در جامعه اسلامی بوده که به منظور افزایش آگاهی و بصیرت جامعه در راستای اتخاذ راه حق و پرهیز از پیروی دیگر فرق منحرفه و همچنین معرفی خود، امام حسن عسکری^(ع) به عنوان جانشین و حضرت مهدی^(ع) به عنوان امام در جامعه دنبال می‌شده است.

۶. شاید بتوان گفت مهم‌ترین کارکرد این روش در نقد و فهم احادیث، آگاهی از شرایط فرهنگی اجتماعی جامعه و همچنین آگاهی از ساختار حاکم بر مجموعه روایات یک امام است که هر کدام به نوبه خود فتح بابی برای یک پژوهش مستقل است و می‌تواند مقدمات ورود به «تحلیل گفتمان» را فراهم سازد.

کتاب‌شناسی

- [۱]. ابطحی اصفهانی، سید محمدباقر (۱۳۷۸). *الصحیفة الجامعة لادعیة علی بن موسی الرضا*^(ع)، قم، مؤسسة امام الهادی.
- [۲]. ابن بابویه (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا*، تهران: جهان.
- [۳]. باردن، لورنس (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۴]. جانی پور، محمد (۱۳۹۰). *اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین و معاویه*، تهران، دانشگاه امام صادق^(ع).
- [۵]. ----- (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای ادعیه صحیفه رضویه»، *ویژه نامه همایش صحیفه رضویه*، تهران، دانشگاه امام صادق^(ع).
- [۶]. جباری، محمد رضا (۱۳۸۲). *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه*^(ع)، قم، مؤسسه امام خمینی(ره).
- [۷]. چوبینه، مهدی (۱۳۸۰). *طرح مطالعاتی راهنمای برنامه درسی*، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- [۸]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱ق). *وسائل الشیعه*، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- [۹]. خزعلی، ابوالقاسم (۱۴۲۶ق). *موسوعة الامام الهادی*^(ع)، قم، مؤسسه ولی عصر(عج).
- [۱۰]. طوسی (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۱]. عزتی، مرتضی (۱۳۷۶). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۲]. فیروزان، توفیق (۱۳۶۰). *روش تحلیل محتوا*، تهران، آگاه.

- [۱۳]. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*، تصحیح ضیاء الدین حسینی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین^(ع).
- [۱۴]. کلینی (۱۳۶۵ش). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۵]. کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸). *مبانی روش شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران، روش.
- [۱۶]. کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا.
- [۱۷]. هولستی، آل. آر (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.